

## رجعت، عصری بین ظهور و قیامت (تبیین جایگاه رجعت در فرایند تکامل جامعه)

امین فتحی<sup>۱</sup>

مقاله پژوهشی  
اصیل  
Original  
Article

### چکیده

**هدف:** هدف از انجام این پژوهش، تبیین جایگاه رجعت در فرایند تکامل جامعه بود. **روش:** روش مقاله، توصیفی تحلیلی و تطبیق آیات الهی و روایات وارد شده در تفسیر موضوع بود. شیوه گردآوری داده‌ها و استنادات، کتابخانه‌ای است. **یافته‌ها:** رجعت، دورانی بین ظهور و قیامت و تابلوی جهانی اسلام در آینده پژوهی و مقطعی ایمانی از مراحل تکامل جامعه بشری است؛ در نتیجه، جامعه با وجود فراز و فرودها، مطابق سه بعد وجودی انسان، سه دوره شکوفایی از لحاظ رفتاری، اخلاقی و اعتقادی؛ یعنی سطح تکاملی «اسلام، ایمان و یقین» داشته و با تشکیل حکومت صالحان، قدم اول از کمال جامعه آغاز می‌شود. لذا ایام الله «ظهور»، «رجعت» و «قیامت»، مراتب مختلف یک حقیقت‌اند که زمین و زمینیان، با طی سه دوران به رشد و تعالی خود می‌رسند.

**واژگان کلیدی:** ظهور، رجعت، قیامت، جوامع، ایام الله.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

◆ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۶

۱. دکترای قرآن و حدیث، استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه محقق اردبیلی / amin.fathi45@gmail.com

A\_fathi@uma.ac.ir /

## الف) مقدمه

در پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون موضوع رجعت، بیشتر بر امکان وقوعی و دلایل عقلی و نقلی و پاسخ به شبهات مطرح‌شده بر رجعت (محمدی، ۱۳۹۵) تأکید شده و زمان آن را نیز عصر ظهور دانسته‌اند، اما جایگاه رجعت در فرایند تکامل جامعه، بحث نشده است؛ در حالی که ارتباط اتفاقات بزرگ زندگی بشری؛ یعنی ظهور، رجعت و قیامت، یکی از پرسش‌های اساسی در آینده‌پژوهی است.

مقاله حاضر بر این فرضیه استوار است که نوع انسان به حکم فطرت، طالب عالی‌ترین مراتب زندگی اجتماعی می‌باشد؛ لذا سیر نهایی جوامع، تکاملی بوده و به سوی یگانه شدن حرکت می‌کنند. بر این اساس، دوران ظهور، هدف نهایی کمال زمینیان نبوده، بلکه با طی سه دوران الهی محقق می‌شود. بنابر این، با تشکیل حکومت صالحان، عمر جهان به پایان نرسیده و تنها قدم اول از فرایند کمال جامعه آغاز شده است که از آن در قرآن کریم و بیان تبیین‌گران معصوم آن، به سه ایام الله «ظهور»، «رجعت» و «قیامت» تعبیر شده است که در آن انسانها از سطح قالبی (اسلام) به قلبی (ایمان) و سپس به سطح عقلی و لبی (یقین) می‌رسند. لذا این ایام الله مراتب مختلف حیات و بروز و ظهور یک حقیقت‌اند.

رجعت در ادیان دیگر نیز مطرح است؛ در آیین زرتشت، به برخاستن مردگان قبل از آمدن «سوشیانس پیروزگر»؛ در عهد قدیم، به برخاستن بعضی از مردگان از قبر در حوادث آخرالزمان و در انجیل، به بازگشت حضرت عیسی (ع) در آخرالزمان (شریفی و خوانین‌زاده، ۱۳۹۳) اشاره شده است و در اصطلاح متکلمان شیعه، عبارت است از بازگشت برخی از مردگان به دنیا، هنگام ظهور حضرت مهدی (عج). گرچه همه تعابیری که علمای کلام و حدیث آورده‌اند از جهاتی صحیح است، اما بیانگر حقیقت رجعت نیست. اصل وقوع رجعت از اعتقادات مسلم شیعه است؛ اما از آنجا که مبانی و خاستگاهش خوب تبیین و تحلیل نشده و زمینه صدور روایات مربوط به آن در نظر گرفته نمی‌شود، لذا اظهار نظر و نتیجه‌گیری‌ها معمولاً اقناع‌کننده نیست.

### ۱. پیشینه

در ارتباط با سنت‌های اجتماعی و تکامل نهایی جامعه و دوران طلایی ظهور، کتابها و مقالات بسیاری نوشته شده و بحث‌های مستوفی انجام گرفته است؛ از جمله: سنت‌های تاریخی قرآن (صدر، ۱۳۶۷)، سنت‌های اجتماعی قرآن (حامد مقدم، ۱۳۶۴)، جامعه و تاریخ و تکامل اجتماعی انسان (مطهری، ۱۳۷۶)، جامعه انسانی از دیدگاه قرآن کریم (حکیم، ۱۳۸۷)، مهدی موعود (مجلسی، ۱۳۷۷/ب)، تاریخ

## رجعت، عصری بین ظهور و قیامت ... ♦ ۲۰۳

پس از ظهور (صدر، ۱۳۸۹)، معجم احادیث الامام المهدي (کورانی و همکاران، ۱۴۱۲). همچنین درباره رجعت، آثار قابل توجهی به صورت مستقل تألیف شده است؛ نظیر الايقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه (حر عاملی، ۱۳۶۲). اما به طور معمول بدون بیان ارتباط بین ظهور، رجعت و قیامت بوده و از مسئله مهم رجعت نه تنها رازگشایی نشده، بلکه همواره در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است.

با بررسی‌های به عمل آمده در وسع این مقاله؛ اثر صریحی راجع به ارتباط این سه دوران، نوشته نشده است. فقط در ضمن بیان روایات مربوط به ایام‌الله، جملات کوتاهی از برخی صاحب‌نظران نقل شده است. در کتاب «حقیقت رجعت»، گرچه به عنصر مشترک بین رجعت و قیامت اشاره شده و آن را یکی از مراتب قیامت دانسته و ظهور را در مرتبه فروتر از رجعت تلقی کرده‌اند؛ اما به ارتباط تکاملی این سه دوران پرداخته نشده است. در پژوهش حاضر، روایت وارد شده از امام باقر (ع) که فرموده‌اند: ایام‌الله سه روز است؛ روزی که قائم ظهور می‌کند و روز کره (رجعت) و روز قیامت (بحرانی، ۱۴۲۷، ج ۴: ۳۰۷)، راهگشای تحقیق بوده که به سطوح تکاملی «اسلام»، «ایمان» و «یقین» زندگان از مردم روی زمین، در این سه دوران معطوف شده است و بدیهی است که شامل مسئله برزخ و برزخیان نمی‌شود.

### ۲. چارچوب نظری

#### یک) جامعه و حیات آن

جامعه عبارت است از «مجموعه‌ای از انسانها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها و ایده‌ها و آرمانها، نظامات، سنن، آداب و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته‌جمعی دارند» (مطهری، ۱۳۷۲/الف: ۱۸). ترکیب جامعه از انسانها، نه ترکیب اعتباری (بدون تأثیر بر همدیگر) و نه صناعی (مانند دستگاه مرتبط الاجزا) و نه حقیقی (یک واحد حقیقی محض)، بلکه حقیقی طبیعی است (ترکیب اندیشه‌ها، عواطف و اراده‌ها)؛ یعنی ترکیب فرهنگی. به همین خاطر، واقعیت جدید و زنده‌ای به وجود آمده است (همان: ۲۷-۲۴) و اجتماعی بودن انسان در متن آفرینش او پی‌ریزی شده و قرآن برای امتها سرنوشت و نامه عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان و حیات اجتماعی قایل است و این حیات صرفاً یک تشبیه و تمثیل نیست، بلکه یک حقیقت است. (همان: ۱۹-۱۸، ۲۱)

#### دو) قانونمندی سیر جوامع (فلسفه تاریخ)

در قرآن کریم از قوانین جامعه نیز معمولاً به «سنت» تعبیر شده است. سنت در لغت به معنای راه و روش و سیره، طریقه معمول و رایج است که به طبع خود اغلب یا دائم جاری

باشد (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۵۱۱). با توجه به اصل و مفهوم ریشه سنن که به امور محکم و استوار و به دندان اطلاق می‌شود، اطلاق سنن بر قانونمندی‌های ثابت و بدون تحول، مناسبت تام دارد (قاضی‌زاده، ۱۳۷۹). بر اساس نظریه ترکیب فرهنگی، جامعه دارای قوانین و سنن مستقل از افراد خود است؛ «چرا که جامعه نیز بمانند موجود زنده، قوانین زیستی؛ یعنی علل پیدایش و افول تمدن‌ها، و سنن تکاملی؛ یعنی دلایل ارتقای جوامع به دوره‌ای دیگر دارد؛ که علم به این تطورات و قوانین حاکم بر تحولات آنها، فلسفه تاریخ گفته می‌شود» (مطهری، ۱۳۷۲/ب: ۷۳). از دیدگاه جوادی آملی، «همان‌گونه که در علوم طبیعی بین علتها و معلولها یک رابطه ثابتی وجود دارد که به صورت قانونهای علمی مورد مطالعه و استفاده قرار می‌گیرند؛ در نظام اجتماعی هم بین عملکرد انسانها و سرنوشت آنها در طول تاریخ نیز قوانین ثابتی حاکم است. در حقیقت؛ مجرای تحقق اراده الهی در جهان، قانونهای ثابتی است که در تمام هستی برقرار است» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱). استاد مصباح یزدی نیز گرچه اطلاق سنن در قرآن کریم را درباره نزول عذاب بر اقوام و جوامع باطل‌گرا و کافر و مشرک و ظالم می‌داند، اما معتقد است: «از آنجا که هیچ یک از افعال الهی را عبث و گزاف و بی حساب و کتاب نمی‌دانیم، بلکه همه آنها را بر اساس ضوابطی که در صنعت حکمت او سرچشمه می‌گیرد می‌دانیم؛ می‌توانیم اصطلاح سنن الهی را بر ضوابطی که در افعال الهی وجود دارد یا روشهایی که امور عالم و آدم را بر پایه آنها تدبیر و اداره می‌کند، اطلاق کنیم» (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۴۲۵).

#### سه) تکامل جوامع

از منظر علامه طباطبایی، اجتماعی شدن انسان، همگام با سایر امور روحی و ادراکی‌اش تکامل یافته و هرچه کمالات مادی و معنوی‌اش بیشتر شده، اجتماعش نیز سامان بیشتری به خود گرفته؛ اما دارای تکاملی تدریجی بوده است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۴: ۱۴۵). البته تکامل اجتماعی انسان در گذشته، همه‌جانبه نبوده، بلکه «در ابزار و تشکیلات اجتماعی پیشرفت داشته، اما در روابط انسانی و معنوی با یکدیگر و نیز در رابطه با خود رابطه اخلاقی، یا تکاملی نداشته است یا حداقل به موازات آنها نبوده است» (مطهری، ۱۳۷۲/الف: ۲۶). اما شهید مطهری درباره آینده، با رد نظریه یأس و تردید، به نقش بی‌بدیل دین و انبیا و اولیا در تکامل معنوی و انسانیت انسان تأکید کرده و آینده جامعه را در پیروزی حق بر باطل، با شکوفایی فطرت انسانی در سایه تقوا و عدالت و حاکمیت دولت مهدوی می‌داند (همو، ۱۳۷۶: ۵۸-۱۲) و به دلایلی که ذکر خواهد شد، این تکامل مهم شدنی است.

البته این تکامل از زمان خاتم پیامبران(ص) و ائمه اطهار(ع) آغاز شده و در زمان ظهور موعود به اوج خود می‌رسد. سید محمدباقر حکیم نیز به استناد آیاتی از قرآن کریم، دچار شدن جامعه بشری به اختلافات را پس از یکپارچگی فطری، امری آشکار و لازم برای زندگی انسان می‌داند که سبب آن، در سنت گرفتاری و آزمایش برای تکامل اوست(حکیم، ۱۳۸۷: ۱۳۰-۱۳۳). اساس امتحان انسان نیز دو راهی‌های عقل و هوس است که به سمت تقوا یا فجور کشیده می‌شود: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا. فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا. قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا. وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا»(شمس: ۱۰-۷). البته الهام و آگاهی به این فجور و تقوا، لازمه آزمایش و رمز برتری انسان است و نه مایه نقصان؛ لذا «کمال جوامع به دو عنصر فساد و صلاح وابسته است و تعارض این دو، موجب رشد و کمال می‌باشد و در این تعارض، بر مبنای «جاء الحق و زهق الباطل»، به سیر تکاملی خویش ادامه می‌دهد... بنابر این، زمان ظهور، نزدیک‌تر شدن به اوج کمال می‌باشد که چنین جامعه‌ای نیازمند به انسان کامل است تا آن را مدیریت کند. پس در این صورت، جوامع و تمدنها و فرهنگها به سوی یگانه شدن، متحدالشکل شدن و در نهایت امر، در یکدیگر ادغام شدن سیر می‌کنند و آینده جوامع انسانی، جامعه جهانی واحد تکامل یافته است که در آن، همه ارزشهای امکانی انسانیت به فعلیت می‌رسد و انسان به کمال حقیقی و به انسانیت اصیل خود خواهد رسید»(مطهری، ۱۳۷۲: ب: ۵۶). البته به حکم آیات «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»(رعد: ۱۱) و «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ...»(روم: ۴۱)، ارتباط تحولات اجتماعی با اراده و اختیار و تغییرات درونی افراد بشر، بدیهی به نظر می‌رسد. همان‌طور که علامه طباطبایی بر اثبات رابطه مستقیم بین اعمال مردم و حوادث عالم تصریح کرده و صلاح و فساد هر یک را متأثر از دیگری دانسته است.(طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۸: ۲۵۴)

#### چهار) نقش دین و انبیای الهی در تکامل تاریخ

در تفسیر المیزان، ذیل آیه ۲۰ آل عمران، با طرح بحث جامعه اسلامی و به استناد آیات «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ...»(بقره: ۲۱۳) و «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا...»(یونس: ۱۹) و «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ...»(شوری: ۱۳)، به متوجه شدن انسانها به مصالح و منافع زندگی اجتماعی توسط انبیا تصریح کرده و نتیجه‌گیری می‌کند که دعوت به اجتماع دعوتی مستقل و صریح بوده که تنها از ناحیه مقام نبوت شروع شده و آغازگر آن انبیا بوده‌اند؛ به

شهادت اینکه هم قرآن بدان تصریح کرده و هم تاریخ آن را تصدیق کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۴: ۱۴۷). البته ایشان نقش انبیا را بی بدیل دانسته و معتقدند: «هیچ عنصر دیگری در طول تاریخ، چنین سهمی در رسیدن جامعه به صلاح و سعادت نداشته است. در این صورت، می توان انبیای الهی (ع) را عوامل اصلی تکامل تاریخ به شمار آورد و دلیلش، هماهنگی آن با فطرت بشری بوده است» (عبداللهی، ۱۳۹۳: ۶۰). آیات مذکور و روایات وارد شده در تفسیر آنها، چنین خیر می دهند که انسان در قدیم ترین عهدش، امتی واحد و ساده و بی اختلاف بوده، سپس - به خاطر همان غریزه استخدام - اختلاف در بین افرادش پیدا شد و اختلاف هم به مشاجره و نزاع انجامید. لذا خدای تعالی، انبیا را برانگیخت و با آنان کتاب فرستاد تا به وسیله آن کتاب، اختلافها را برطرف کنند و دوباره به وحدت اجتماعی شان برگردند و این وحدت را به وسیله قوانینی که تشریح فرموده، حفظ کنند. (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۴: ۱۴۷)

#### پنج) سنت حاکمیت مؤمنان و صالحان

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵)؛ و به یقین، در زبور پس از تورات، آن یادواره الهی نوشتیم که زمین را از شرک و گناه پاک خواهیم ساخت و بندگان شایسته من آن را به ارث خواهند برد». منظور از وراثت زمین، انتقال سلطنت بر منافع آن از دیگران به صالحان و اختصاص برکات زندگی در زمین به ایشان است که عبارت است از مقامات قربی که مؤمنان در دنیا برای خود کسب کرده اند؛ چون این مقامات هم از برکات حیات زمینی است. بنابر این، آیه مورد بحث هر دو وراثت دنیایی و آخرتی را شامل می شود. (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۴: ۴۶۶)

«قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۸)؛ «موسی به قومش گفت: از خدا یاری بخواهید و شکیبایی ورزید، یقیناً زمین در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، آن را به هر کس از بندگان که بخواهد می بخشد و سرانجام نیک، برای پرهیزکاران است». از اصول موضوعه بحث تاریخ و آینده آن، از دیدگاه صاحب نظران فلسفه تاریخ و اندیشمندان مسلمان، مسئله قانونمندی تاریخ و ضوابط حاکم بر آن است. لذا بر اساس آیاتی از قرآن، از جمله: «...ما این روزها را میان مردم می گردانیم تا کارهایی که باید، انجام شود و خدا کسانی را که ایمان آورده اند معلوم دارد و از میان شما گواهان اعمال را برگیرد...» و: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که آنان را در زمین، جانشین امتهای شایسته گذشته کند...» (نور: ۵۵)؛ «امکانات، اقتدار و قدرت تا پایان حرکت تاریخ در تسلط یک ملت،

رجعت، عصری بین ظهور و قیامت ... ۲۰۷

یک تمدن و فرهنگ باقی نمی ماند؛ بلکه بنا بر دلایلی و بر اساس اهدافی، این اقتدار و انحطاط و عزت و ذلت تا آخرین لحظه جریان تاریخ، در میان اقوام و ملل گوناگون عالم دست به دست می گردد... اما سیر تاریخ در مجموع، در جهت پیشرفت است؛ یعنی گرچه جامعه توقف و صعود و سقوط دارد، ولی در نهایت، سیر متعالی را طی می کند. (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۶۲)

یکی از سنتهای قطعی الهی که در قرآن کریم آمده، حکومت و وراثت مؤمنان در زمین است. بنا بر این، جامعه الهی در طول تاریخ، گاهی قاهر و زمانی مقهور، به حرکت خود ادامه می دهد. اما در این فراز و نشیبها، جامعه الهی موجودیت خود را حفظ می کند و به سویی می رود که معارف، قانون و احکام الهی، عدالت را جهان شمول کند (نجفی علمی، ۱۳۷۱: ۷۱).

شهید مطهری در اثر دیگری، در بحث آینده جهان، تصریح می کنند که عمر جهان به پایان نرسیده و «دولتی مقرون به عدل و عقل، حکمت، خیر، سعادت، سلامت، امنیت، رفاه و آسایش و وحدت عمومی و جهانی، در انتظار بشریت است؛ دولتی که در آن، حکومت با صالحان است». (مطهری، ۱۳۷۷: ۹۴)

#### شش) ایام الله

در قرآن کریم «ایام الله» دو بار آمده است: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (ابراهیم: ۵)؛ ای پیامبر! ما تو را به رسالت فرستاده ایم، چنان که یقیناً موسی را با نشانه های خود به رسالت فرستادیم و به او گفتیم قوم خود را از تاریکی های گمراهی در آور و به سوی نور هدایت روانه ساز و روزهای الهی را که حاکمیت خدا بر همه اسباب و عوامل آشکار شد، به آنان یادآوری کن. قطعاً در هر یک از آنها، برای هر کسی که بسیار شکیبا و سپاسگزار باشد، نشانه هایی بر یکتایی خداست. همچنین: «قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (جاثیه: ۱۴)؛ ای پیامبر! به کسانی که ایمان آورده اند بگو: از بدرفتاری های گردنکشان که به روزهای خدا امیدی ندارند، در گذرند. خدا این فرمان را صادر کرده است تا خود در یکی از آن روزها مردمی کفرپیشه را به سزای گناهیانی که فراهم آورده اند کیفر دهد.

ایام جمع یوم، در لغت به معنای روز است و در اصطلاح متعارف قرآن، به روزهای «ظهور سلطنت الهی، خواه با قهر و غلبه مانند روز مرگ و روز قیامت و روز عذاب، یا با ظهور رحمت و نعمت گفته می شود و برای بزرگداشت آنها، به خدا نسبت داده می شود». (شعرانی، ۱۳۹۸، ج ۲: ۶۰۴)

«ایام الله» جمع انحلالی یا تحلیلی است به معنای یوم الله‌های متعدد (سعدی شاهرودی، ۱۳۸۴: ۱۳۷)؛ بنابر این، «ایام الله، تمام روزهایی است که دارای عظمتی در تاریخ زندگی بشر است. هر روز که یکی از فرمانهای خدا در آن چنان درخشیده که بقیه امور را تحت الشعاع خود قرار داده و هر روز که فصل تازه‌ای در زندگی انسانها گشوده و درس عبرتی به آنها داده، همه از ایام الله است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۰: ۲۷۲). علامه طباطبایی هم ذیل آیه ۵ سوره ابراهیم، نعمتها و عذاب الهی را مقتضای سیاق بیانی کلام و عزت خدا دانسته و در بحث روایتی نوشته‌اند: «شیخ در امالی به سند خود از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: ایام الله نعمتها و بلاهای خداست و آن مثلث خداوند سبحان است. و در معانی الاخبار به سند خود از ابی عبدالله (ع) روایت کرده که فرمودند: ایام الله سه روز است: روزی که قائم ظهور می‌کند و روز کره (رجعت) و روز قیامت. و مراد از این روایتها بعضی از مصادیق روشن ایام الله است» (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۲: ۲۴) و ذیل آیه ۱۴ سوره جاثیه، روز جزا را یکی از ایام خدا دانسته است. (همان، ج ۱۸: ۲۵۰)

## ب) بحث و بررسی

### ۱. سه سطح طولی عالمها

در حکمت اسلامی طبق براهین عقلی، عالم ممکنات را به سه مرتبه عالم عقل، مثال و ماده تقسیم کرده‌اند که از نظر وجودی دارای تقدّم و تأخّر بوده و رابطه علی و معلولی دارند. عالم عقل، علت وجودی عالم مثال و عالم مثال، علت وجودی عالم ماده است (طباطبایی، ۱۴۱۶: ۳۲۲-۳۱۷)؛ تعبیراتی که در روایات اهل بیت (ع) نیز مشابه آن دیده می‌شود. این عالمها به شکل طولی بوده و با هم ارتباط دارند. از منظر علامه طباطبایی، ارتباط این سه عالم به شکل علیت و سببیت است. عالم عقل، علت و سبب عالم مثال و آن نیز علت و سبب عالم دنیاست (همو، ۱۳۹۳، ج ۱۱: ۳۷۰). این عوالم تو در توست؛ یعنی عالم برزخ، عالمی است که بر عالم ماده و طبیعت احاطه دارد و الان هم هست، نه اینکه بعداً به وجود می‌آید؛ عالم نفس و قیامت نیز بر عالم طبیعت و ماده و بر عالم برزخ احاطه دارد (حسینی تهرانی، ۱۳۶۶، ج ۶: ۲۲۱) و منظور از معاد، که سنت کلی حاکم بر هستی است، برگشت هر موجودی به سوی کمال بالاتر و در نهایت به سمت بی‌نهایت است. دقت در تعبیر آیات شریفه‌ای مانند «اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (روم: ۱۱) نشان می‌دهد که مشیت حق، اعاده و برگشت هر مخلوقی است؛ لذا همواره در حرکت و تحول و تبدل به مرحله بالاترند؛ به طوری که مرحله بعدی، نتیجه مرحله قبلی است. (شجاعی، ۱۳۸۸: ۵۶، ۵۸، ۷۳)



## ۲. سه سطح طولی انسان

بر اساس جهان‌بینی اسلامی، خلقت انسان امری هماهنگ با هستی است و ابعاد وجودی او نیز مستقل از نظام هستی، قابل تجزیه و تحلیل نیست و متناسب با تقسیم مجموع هستی به سه عالم، برای انسان نیز سه بُعد وجودی «قلب»، «عقل» و «جسم» مطرح شده است (امیری، ۱۳۸۶، ج ۱: ۵۹). استاد مطهری نیز به این سه بُعد وجودی انسان اشاره کرده‌اند: «تسلیم سه مرحله دارد: تسلیم تن، تسلیم عقل، تسلیم دل» (مطهری، ۱۳۹۱: ۲۶۵). همان‌طور که انسان با سراسر وجودش پایین آمده است، همچنین با سراسر وجودش دوباره صعود کرده، بازگشت می‌کند. لذا قیامت در عرض برزخ نیست، بلکه در طول آن است (حسینی تهرانی، ۱۳۶۶، ج ۵)؛ یعنی عالم آخرت، مقام جمع عالم عقل و مثال است و به خاطر رابطه طولی عوالم سه‌گانه، موقع برپایی قیامت، بساط دنیای کنونی برچیده شده و برزخ نیز به عالم عقل می‌پیوندد.

بنابر این، انسان دارای سه سطح ادراکی «حسی و ذهنی»، «قلبی و احساسی» و «تحلیلی و عقلی» بوده و مرکب از لایه بدن مادی که مربوط به عالم ناسوت است و لایه قلب که مربوط به عالم ملکوت و لایه عقل و روح که مربوط به عالم جبروت است، عوالم ملکوت، جبروت و لاهوت انسان همگی در کالبد مادی او متمرکز شده، اما هر یک حجاب دیگری است؛ دنیا حجاب ملکوت است و ملکوت حجاب قیامت؛ سیر تکاملی انسان به سوی عالم کبیر، درونی بوده و هر لایه‌ای که فرو می‌افتد، انسان در متن لایه بعدی خود قرار می‌گیرد.

## ۳. سه دوره طولی جامعه

از مجموع مباحث تفسیری ایام‌الله، می‌توان نتیجه گرفت که روزهای خدایی مربوط به گذشته و آینده، یک روز معمولی نبوده و یک دوره است. از آیات مربوط به ظهور، رجعت و قیامت نیز تعبیر به «یوم» (روز) شده که یک روز معمولی نبوده، بلکه دوران است و روایات وارد شده در تفسیر آنها نیز این معنی را تأیید می‌کنند. لذا از بزرگ‌ترین مصادیق ایام‌الله ناظر به آینده، سه روز ظهور، رجعت و قیامت می‌باشد که طولی بوده، به دنبال هم واقع می‌شوند و قابل تطبیق بر سه سطح طولی عالمها و سه بعد وجودی انسان نیز می‌باشند؛ زیرا یکی از مصادیق تعالی زمین و تکامل زمینیان، ممکن است تحول طولی باشد. از جمله آیات شریفه‌ای که در روایات موثق، به هر سه دوران تطبیق داده شده و ناظر بر تحول طولی آسمانها و زمین است، آیه «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَ بَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (ابراهیم: ۴۸) می‌باشد. «معنای بروز برای واحد قهار، با اینکه تمامی موجودات همیشه برای خدای تعالی ظاهر و غیر مخفی است، این است که آن روز تمامی علل و اسبابی که آنها را از خدایشان

محبوب می‌کرد از کار افتاده، تنها سبب مستقلى که مؤثر در ایشان باشد، خدای را خواهند یافت». (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۲: ۱۲۹)

همچنین آیه شریفه «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا...» (زمر: ۶۹) که مربوط به قیامت بوده، اما در روایات اهل بیت (ع) به دو روز قبلى آن نیز تأویل شده است؛ یعنى در هر سه دوران، زمین نورانی می‌شود، اما هر بار پرنورتر از قبلى و مقصود از اشراق، «کنار رفتن پرده‌ها و ظهور حقیقت اشیا و بروز و ظهور واقعیت اعمال، از خیر یا شر، اطاعت یا معصیت، حق یا باطل، به طوری که ناظران حقیقت هر عملی را ببینند؛ چون ظهوردهنده آن روز، خدای سبحان است و هر سبب دیگری در آن روز از سببیت ساقط است. پس اشیا در آن روز با نوری که از خدای تعالی کسب کرده، روشن می‌شوند». (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۴۴۷)

#### دوره اول: «روز ظهور و حاکمیت حضرت مهدی (عج)»

اصول تکوینی خلقت و آیات تشریحی خدا، بیانگر تکامل جامعه و حاکمیت دین الهی بر کل جامعه بشری است. «کاوش عمیق در احوال کائنات نشان می‌دهد که انسان نیز به عنوان جزئی از کائنات، در آینده به غایت و کمال خود خواهد رسید. آنچه در قرآن آمده است که استقرار اسلام در جهان، امری شدنی و «لابد منه» است، تعبیر دیگری است از این مطلب که انسان به کمال تام خود خواهد رسید... و نوع انسان به حکم فطرتی که در او ودیعه نهاده شده است، طالب کمال و سعادت حقیقی خود؛ یعنى استیلا بر عالی‌ترین مراتب زندگی مادی و معنوی به صورت اجتماعی می‌باشد و روزی به آن خواهد رسید». (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۴: ۱۵۸، ۲۰۸)

بنابر این، در عصر ظهور شاهد براندازی باطل و نابودی شیطان به عنوان رهبر گروه باطل و پیروزی و غلبه حزب الله بوده، دوران نابودی مشرکان، کافران و جباران فرا رسیده و با حاکمیت اسلام، ذلت و خواری دشمنان حق محقق خواهد شد (کارگر، ۱۳۸۹: ۱۴۲-۱۳۹). روز ظهور، عصر گسترش کمی و کیفی دینداری در جهان است. لذا با ظهور منجی عالم، مردم دسته‌دسته وارد اسلام شده، به سرعت همه جای زمین در قلمرو حکومت امام مهدی (عج) قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که نقطه‌ای نمی‌ماند مگر اینکه توحید در آنجا حاکمیت می‌یابد و شهادت به یگانگی خدا و رسالت رسول او داده می‌شود. از آن پس دیگر نه یهودی و نه مسیحی و نه فرقه دیگر مطرح نخواهد بود و اگر باشد، اظهار وجود نخواهند کرد. (اکبری، ۱۳۸۴: ۱۷۱)

البته باید به این نکته توجه شود که پیش از آنکه تصور شود حضرت مهدی (عج) از عالم غیب به عالم شهود می‌آید، عالم شهود نیز آنچنان صعود می‌کند که می‌تواند ظرف ظهور

ابعاد غیبی حضرت مهدی شود. رابطه بین ظهور پیامبر آخرالزمان (ص) به عنوان حامل آخرین و کامل ترین دین و ظهور آخرین ولی خدا به عنوان حامل آخرین اسرار الهی، ما را به این تأمل دعوت می کند که در آخرالزمان، باطنی ترین ابعاد هستی ظهور خواهد کرد (طاهرزاده، ۱۳۹۳: ۷-۸). آیات و روایات زیادی بر چگونگی و کیفیت روز ظهور دلالت و تصریح دارند که همه آنها در حاکمیت اسلام و جهانی شدن دین الهی متفق اند؛ که به ذکر چهار آیه بسنده می شود.

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵)؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که آنان را در زمین، جانشین امتهای شایسته گذشته کند؛ چنان که شایستگان امتهای پیشین را در زمین، جانشین دیگران قرار داد و نیز نوید داده است که آیین آنان را که بر پایه فطرت استوار است و خدا آن را برایشان پسندیده است، پابرجا سازد؛ به گونه ای که جامعه بر اساس آن شکل یابد و وعده داده است که آنان را پس از اینکه پیوسته از سوی دشمنان داخلی و خارجی بیماناک بودند، ایمنی بخشد. در حالی که امنیت می رسند که مرا می پرستند و چیزی را شریک من قرار نمی دهند. هر کس پس از تحقق این وعده، به وسیله کفر و نفاق و ارتکاب گناهان ناسپاسی کند، اینان اند که از راه خدا بیرون رفته اند.

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» (بقره: ۱۹۳)؛ «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (انفال: ۳۹)؛ «و با کافران بجنگید تا فتنه ای بر جای نماند و دین (حاکمیت) یکسره از آن خدا باشد و کسی را نرسد که مردم را به پرستش غیر خدا دعوت کند...». در تفسیرهای اهل سنت، مانند تفسیر «روح البیان» و «روح المعانی» و تفاسیر مختلف شیعه، از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند: تأویل و تفسیر نهایی این آیه هنوز فرا نرسیده است و هنگامی که قائم ماقیام کند، کسانی که زمان او را درک کنند، تأویل این آیه را خواهند دید. به خدا سوگند که در آن موقع دین محمد (ص) به تمام نقاطی که شب پوشش آرام بخش خود را بر آن می افکند خواهد رسید

تا در سراسر روی زمین مشرک و بت پرستی باقی نماند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۷: ۲۰۹)

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (صف: ۹)؛ اوست آن که پیامبرش را با رهنمود و دین حق به رسالت فرستاد تا آن

را بر همهٔ ادیان فایق گرداند، گرچه مشرکان آن را خوش نداشته باشند. از امام کاظم (ع) ذیل این آیه روایت شده که فرمودند: «منظور از دین حق، ولایت است و خداوند آن دین را هنگام قیام قائم (عج) بر تمام ادیان غالب می‌گرداند» (بحرانی، ۱۴۲۷، ج ۷: ۵۲۹). بنابر این، وعدهٔ الهی در قرآن کریم مبنی بر حکومت صالحان، «وعده‌ای قطعی و لایتخلف است که توسط انسان کامل عصر تحقق می‌یابد و بدین ترتیب، خوف و ترس متقین به حالت امن و امان بدل خواهد شد و خداوند مَنان بدون هراس و شرک در سراسر جهان پرستیده می‌شود». (مظاهری سیف، ۱۳۸۴: ۲۵۱)

#### دورهٔ دوم: «روز رجعت»

واژه‌های مختلفی برای بیان رجعت، در قرآن مجید و روایات اسلامی به کار رفته است؛ از جمله: ایّاب، کرّه، ردّ، حشر و ...، که همه در معنای بازگشت مشترک‌اند؛ ولی در میان همهٔ این الفاظ، «کرّه» و «رجعت» بیشتر به کار رفته و رجعت مشهورتر است. چنانچه از «لسان العرب» برمی‌آید، رجعت مصدر «مره» از ماده رجع (جوهری، ۱۴۱۸) و به معنای یک بار بازگشت است و کره، «ایجاد امری در مرتبهٔ دیگری بمانند مرتبهٔ اول است» (مصطفوی، ۱۳۸۵). در اصطلاح شیعه، رجعت همان حیات و زندگی بعد از مرگ و قبل از قیامت است (حر عاملی، ۱۳۶۲: ۱۴۰). به عبارتی دقیق‌تر؛ بازگشت گروهی از مؤمنان محض به دنیا و کافران محض پس از مردن (قمی، ۱۴۰۴: ۱۳۱) قبل از قیامت است.

با توجه به روایات اسلامی، رجعت جنبهٔ همگانی ندارد؛ چنانکه امام جعفر صادق (ع) می‌فرمایند: «رجعت عمومی نیست، بلکه جنبهٔ خصوصی دارد. تنها گروهی بازگشت می‌کنند که ایمان خالص یا شرک خالص دارند» (مجلسی، ۱۳۷۷/الف، ج ۵۳: ۳۹). البته ممکن است که بازگشت مجدد این دو گروه به زندگی دنیا «به منظور تکمیل حلقهٔ تکامل گروه اول و شاهد و ناظر حکومت جهانی حق و عدالت و چشیدن کیفر دنیوی گروه دوم باشد و تنها راه تحقق این دو امر، رجعت است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۵: ۵۵۹). بنابر این، در تعاریف رجعت، گرچه به احیای برخی از انسانها تصریح شده، اما ممکن است مختص به مردگان نباشد؛ زیرا ظاهر روایات مربوطه، دوران رجعت، زندگان از عصر ظهور را نیز شامل می‌شود. چون بعد از دوران ظهور، قیامتی اتفاق نیفتاده که همهٔ مردم از دنیا رفته باشند، بلکه برخی روایات، به داشتن عمر طولانی و بدون بیماری مردم در عصر صالحان تصریح کرده‌اند. البته بر اصل رجعت دلیل وجود دارد، اما کیفیت آن مشخص نیست و کیفیت آن نیز ضروری مذهب نیست. (اردبیلی، ۱۳۹۲، ج ۳: ۱۹۸)

اما اینکه چرا رجعت در هاله‌ای از ابهام قرار دارد؛ با مرور تاریخ زندگی امامان شیعه و موقعیت مسلمانان و شیعیان معاصر آن بزرگواران، ملاحظه می‌شود که پرداختن به مسائل و موضوعات اصلی و مبتلابه جامعه در اولویت قرار داشته است و بعد از عصر امام صادق (ع) نیز با در نظر گرفتن آغاز اعمال محدودیتها، تبعیدها، تحت نظر بودن و زندانی شدن ائمه (ع) از یک سو و اهمیت فوق‌العاده مسئله غیبت امام دوازدهم (عج) از سوی دیگر؛ دغدغه اصلی امامان شیعه، تثبیت جایگاه غیبت بوده است؛ زیرا بعد از حکومت امام علی (ع)، به غیر از فرصت اندک دوران امام باقر (ع) و امام صادق (ع)، شیعیان همواره تحت فشار بوده و در حاشیه قرار داشته‌اند و تنها ارتباط با ائمه (ع)، با وجود دشواری‌هایی که داشته، می‌توانست آرام‌بخش پاره‌ای از آلامهای آنان باشد. لذا در این موقعیت، طرح موضوع غیبت می‌توانست به ناامیدی‌هایی دامن بزند. از این رو، ائمه (ع) در مقام دل‌داری دادن می‌فرموده‌اند که نگران نباشید، «ما خواهیم آمد». برای نمونه، امام باقر (ع) در پاسخ به سؤالی فرمودند: خداوند هیچ پیامبری را نفرستاد، مگر اینکه به دنیا بازمی‌گردد و امیرالمؤمنین را یاری می‌دهد» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۰۶)؛ یا در تفسیر «تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ (قصص: ۵) که آیه امیدبخشی به مستضعفان است؛ از امام صادق (ع) روایت شده است که: «به خدا که تنزیل این آیه در بنی اسرائیل و تأویلش در رجعت ما اهل بیت (ع) است» (مجلسی، ۱۳۹۵، ج ۲)؛ یا تعبیر امام علی (ع) در نهج البلاغه: «دنیا بعد از چموشی به ما روی می‌آورد» (حکمت ۲۰۹)؛ و تعبیر گویای زیارت جامعه: «... به بازگشت شما ایمان دارم، رجعت شما را تصدیق می‌کنم و امر شما را انتظار می‌کشم. مرا از کسانی قرار دهد که با شما محشور می‌شوند، در رجعت شما بازمی‌گردند، در دولت شما حاکمیت می‌یابند و هنگام بازگشت شما اقتدار پیدا می‌کنند» (قمی، ۱۳۸۸: زیارت آل یس).

بنابر این، رجعت به معنای اصطلاحی آن، در متون اسلامی به رجعت برخی از مردگان در عصر ظهور و نیز رجعت ائمه و برخی از مردگان در دوران بعد از حکومت مهدوی و نیز به خود این دوران به عنوان یکی از ایام‌الله اطلاق شده است؛ از جمله روایاتی که در باب مدت حکومت امام عصر (عج) و دولت مهدوی پرداخته و رجعت ائمه را بعد از آن معرفی می‌کند (سعادت‌پرور، ۱۳۸۷: ۱۹۸-۱۹۷). پس به طور کلی رجعت بیشتر برای دو زمان به کار رفته است: نخست، عصر امام مهدی (عج) و دیگری، دوران بعد از آن امام (عج)؛ اما در این تحقیق، دومی مقصود است؛ زیرا «فاصله ظهور تا قیامت اگر چه خیلی تبیین نشده است، ولی از بعضی روایات استفاده می‌شود که بعد از عصر ظهور، در یک دوران طولانی، حکومت

حق بر محور ولایت انبیا و اولیا، به خصوص انوار پاک معصومین (ع) محقق خواهد شد که همان عصر رجعت است. عصر ظهور، به معنای سده پایان تاریخ نیست، بلکه ظهور ولایت الهیه در عالم و ختم ولایت ابلیس و پایان غلبه ظاهری دولت باطل در این عصر روی می‌دهد و بندگی خدا در همه عرصه‌های حیات بشر جاری و متجلی می‌شود». (میرباقری، ۱۳۸۳: ۶)

در ارتباط با موضوع «رجعت»، بیانات علامه طباطبایی بین صاحب‌نظران شیعی از وزانت و حقیقت‌نمایی بالایی برخوردار است. ایشان در تفسیر آیه ۲۱۰ سوره بقره توضیح رسایی دارند و می‌فرمایند: «روایاتی که رجعت را اثبات می‌کند، هر چند آحاد آن با یکدیگر اختلاف دارند، الا اینکه با همه کثرتش - که متجاوز از پانصد حدیث است - در یک جهت اتحاد دارند و آن اینکه سیر نظام دنیوی متوجه به سوی روزی است که در آن آیات خدا به تمام معنا ظاهر می‌شود؛ روزی که در آن خدای سبحان به خلوص، عبادت شده و نافرمانی نمی‌شود؛ عبادتی که هوای نفس و شیطان و اغوایش هیچ سهمی در آن ندارد؛ روزی که بعضی از اموات که در خوبی یا بدی برجسته بودند، یا ولی خدا بودند و یا دشمن خدا، دوباره به دنیا برمی‌گردند تا میان حق و باطل حکم شود. پس روز رجعت، خود یکی از مراتب روز قیامت است، هر چند که از نظر ظهور به روز قیامت نمی‌رسد؛ چون در روز رجعت، باز شر و فساد تا اندازه‌ای امکان دارد. به خلاف روز قیامت که دیگر اثری از شر و فساد نمی‌ماند و باز به همین جهت، روز ظهور مهدی (عج) هم معلق به روز رجعت شده است؛ چون در آن روز هم حق به تمام معنا ظاهر می‌شود؛ هر چند که باز ظهور حق در آن روز، کمتر از ظهور در روز رجعت است. لذا روز ظهور امام مهدی (ع) و روز رجعت و روز قیامت، مراتب مختلف یک حقیقت هستند و اتحاد این سه روز بر حسب حقیقت و اختلاف آنها از نظر مراتب ظهور، باعث شده که در تفسیر ائمه (ع) بعضی آیات، گاهی به روز قیامت و گاهی به روز رجعت، و گاهی به روز ظهور مهدی (عج) تطبیق شود» (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۶۳). لذا رجعت، فرایند دوم از کمال جامعه بشری و مصداقی از روز دوم ایام‌الله و دوران طلایی انسان است. در این دوران، پس از حاکمیت احکام الهی در زمین و گسترش آن و پذیرش اسلام در عمومیت جامعه، انسانها با معرفت و کمال حاصل شده، به مرحله قلبی و ایمان می‌رسند.

#### دوره سوم: «روز قیامت»

هدف از این موضوع، نه اثبات قیامت و نه شرح و توصیف احوالات آن، بلکه بیان این نکته است که روز قیامت، مرحله سوم از فرایند کمال انسان و جامعه می‌باشد و انسانها پس از عبور از زمان جاهلیت - چه سنتی، چه نوین - و آغاز رشد عقلی، با طی عصر ظهور و شکوفایی

#### رجعت، عصری بین ظهور و قیامت ... ♦ ۲۱۵

اسلام و گذر از دوران رجعت و شکوفایی ایمان، به مرحله قیامت و شکوفایی یقین و از انسان قالبی و قلبی، به مرز انسان عقلی و نوری می‌رسند. البته «آخرت» بعد از روز قیامت است و مواجه شدن با نتایج اعمال.

علامه طباطبایی در بحث روایتی تفسیر آیه ۲۱۰ بقره نوشته‌اند: «آنچه از کلام خدای تعالی درباره قیامت و اوصاف آن به دست می‌آید، روزی است که هیچ سببی از اسباب و هیچ کاری از خدای سبحان پوشیده نیست؛ روزی که تمامی اوهام از بین می‌رود و آیات خدا در کمال ظهور ظاهر می‌شود». به عبارت دیگر؛ در آن روز حجابها برطرف شده، باطنها و حقایق اشیا آشکار می‌شود «و هرگونه حجابی که اشیا را از یکدیگر پنهان می‌ساخته، از بین رفته و ظلمات برطرف و فضا نورانی می‌شود؛ زیرا همگی جنبه خلقی را از دست داده و جنبه الهی [وجه‌اللهی] خود را بروز می‌دهند و دادگاه عدل الهی با حضور شاهدان اعمال، تشکیل و به حساب همه مردم به دقت رسیدگی و بر اساس عدل داوری می‌شود». (شجاعی، ۱۳۸۸: ۱۱)

به تعبیر علامه تهرانی، لازمه ظهور باطن و خفای ظاهر، ظهور حقایق و ارتفاع حجب ماهیات و پرده‌های هویات و رسیدن تمام موجودات به فرجام هستی؛ یعنی خدای سبحان است: «و إليه تقلبون» (عنکبوت: ۲۱). یعنی تمام آثار و خصوصیات شما دگرگون شده و چیز دیگری می‌شوید. گویا عالم قیامت، تمام شئون زندگی را به صورت دیگر که اصلاً در فکر انسان نمی‌گنجد درمی‌آورد (حسینی تهرانی، ۱۳۶۶، ج ۵: ۱۷۰). پس در هر سه روز از ایام‌الله، غیب در این عالم تجلی کرده و عالم زنده می‌شود. در عصر ظهور، عالم به یک مرتبه از حیات رسیده و در عصر رجعت، به حیات کامل‌تر و در قیامت، به حقیقت حیات می‌رسد: «و ما هذه الحیاة الدنیا اِلَّا لَهْوٌ وَّلَعِبٌ وَّ اِنَّ الدَّارَ الْاٰخِرَةَ لَهِيَ الْحَيٰوَانُ» (میرباقری، ۱۳۸۴: ۸۳). بنابراین، جهان در عصر ظهور تجلی کرده، حیات مجدد می‌یابد؛ چنانکه در تفسیر آیه ۱۷ سوره حدید: «إِعلموا أَنَّ اللّٰهَ یحیی الأَرْض بعد موتها»، روایتی نقل شده که با ظهور حضرت مهدی (عج)، اهل ارض به حیات می‌رسند و کفر بساطش جمع شده، همه مؤمن می‌شوند. (همو، ۱۳۸۳: ۶)

#### ۴. جمع‌بندی ادله و یافته‌ها

**یک) آیات:** از تعبیر یوم که برای روزهای ظهور، رجعت و قیامت آمده است (فتح: ۲۹؛ حجر: ۳۸؛ نمل: ۸۳؛ انعام: ۱۵۸)، معلوم می‌شود که هر کدام از این روزها، دورانی خاص‌اند؛ چون به طور مسلّم، روز در این آیات، یک روز معمولی دنیا نبوده و در عرض هم نیز نمی‌باشند. لذا طولی بودن سه روز خدایی استفاده می‌شود و تحقق نصرت، وعده و اراده الهی؛ زیرا

خداوند وعده داده است روزی صالحان وارث زمین شده، زندگی توأم با امنیت و آرامشی خواهند داشت. (انبیاء: ۱۰۵؛ نور: ۵۵)

**دو) روایات:** احادیثی که از پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت مطهرشان (ع) در تفسیر این دسته از آیات وارد شده، جدایی و تفاوت این ایام از همدیگر و طولی بودن سه یوم الله، استفاده شده و برخی از آنها به این مسئله تصریح دارند؛ مانند روایات ذکر شده از امام باقر (ع) و امام صادق (ع).

**سه) روایات اخلاقی و معرفتی متواتر دال بر کمالات وجودی انسان و آغاز شکوفایی ایمانی و عقلی بشر همگام با عصر ظهور؛ برای نمونه:**

- جهان بینی واحد: «... در آن زمان قائم ما همه را بر محور یک مرام و عقیده گرد آورد». (حکیمی، ۱۳۷۴: ۱۰۲)
- تکامل عقول بشری: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ». (کلینی، ۱۴۰۷)
- تکامل اخلاق بشری: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا... و اکمل به اخلاقهم». (مجلسی، ۱۳۷۷/الف، ج ۵۲: ۳۳۶)
- تکامل رفتار بشر: بدیهی است که با اصلاح افکار و اخلاق انسانی، رفتار بشری نیز اصلاح شده در چارچوب احکام الهی می آید.

**چهار) هدف ادیان آسمانی:** «غایت آفرینش بشر، رسیدن به سعادت و مقام عبودیت است. در دولت مهدوی که دانش و عدالت در آن موج می زند، راه پیمودن سعادت و دستیابی به کمال فراهم است؛ این دولت، مقدمه رسیدن انسانها به کمال نهایی و هدف خلقت آنهاست». (شاکری زواردهی، ۱۳۹۲: ۲۰۰)

#### پنج) دلایل عقلی

- ادله حکمی دال بر قوس نزول و صعود عالم و وجود عوالم سه گانه ناسوت، ملکوت و جبروت در هستی و وجود سه بعد جسم، قلب و عقل در انسان و هماهنگی خلقت انسان و ابعاد وجودی اش با هستی.
- ادله فلسفی ناظر بر سیر رجوعی و حرکت تکاملی جهان، که همان عمومیت معاد در هستی و مبتنی بر اصولی مانند بقا، حرکت، علیت و تبعیت (شجاعی، ۱۳۸۸: ۷۱) است.
- ادله عقلی و استقرایی دال بر قانونمندی سیر و تکامل جوامع و اصولی مانند «اجتماعی بودن انسان»، «ترکیب فرهنگی جامعه» و «فلسفه تاریخ».
- اشاره، نظر و تصریحات صاحب نظران بزرگ معاصر، مانند علامه طباطبایی و طهرانی، که ذکر شد.



رجعت، عصری بین ظهور و قیامت ... ﴿۲۱۷﴾

**شش) دلایل فطری:** کمال‌جویی و تعالی‌طلبی ریشه در فطرت انسانها دارد. «همواره حاکم اصلی بر انسان، همان فطرت بوده و انحرافات و اشتباهات از نوع خطای در تطبیق است. و آن غایت و کمالی است که به حکم فطرت بی‌قرار خود، آن را جستجو می‌کند، روزی به آن خواهد رسید. آیات از سوره روم که با جمله «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» آغاز می‌شود و با جمله «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» پایان می‌یابد، می‌رساند که حکم فطرت، تخلف‌ناپذیر است و انسان پس از یک سلسله تجربه‌ها، راه خویش را می‌یابد.» (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۴: ۱۴)

### ج) نتیجه‌گیری

با دقت در سیر تاریخ و تدبیر در آیات قرآن و تبیینهای معصومانه و روشنگرانه پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع)، مشخص می‌شود که حرکت و سیر تاریخ، در جهت پیشرفت است و با تعالی جامعه در عصر ظهور، عمر جهان به پایان نرسیده و مطابق با سه بعد وجودی و ادراکی انسان و سه مرتبه عالم؛ قدم اول از سه فرایند کمال جامعه آغاز می‌شود. لذا با تشکیل حکومت صالحان، جنبه مادی و ملکی دنیا، رو به انحلال نهاده و حیات زمین شروع می‌شود و انسانها با درک سه روز خدایی و دوران طلایی ظهور، رجعت و قیامت، مراحل شکوفایی خود را پشت سر نهاده، به حقیقت خود نزدیک خواهند شد. این ایام‌الله، مراتب مختلف یک حقیقت‌اند. زمین و زمینیان، با طی فرایند رجوع الی‌الله؛ یعنی سه رجعت کوچک (استمرار دولت مهدوی)، رجعت متوسط و خروج دابه‌الارض (خانه‌تکانی زمین) و رجعت بزرگ (قیامت) و تحقق مراتبی از «انا الیه راجعون»، به رشد و کمال حقیقی و سعادت واقعی و انسانیت اصیل خود خواهند رسید.

پس در روز ظهور و حاکمیت اسلام و جدایی پاکان از ناپاکان و حق از باطل، انگیزه اعمال اکثریت انسانها، قلبی و معنوی شده، به مرز ایمان کامل می‌رسند و در روز رجعت، مراحل داوری بین حق و باطل، مانند روایات حاکی از زنده شدن صاحبان ایمان محض و صاحبان کفر محض و محاکمه مجرمان خاص و بهره‌مندی پرهیزکاران از نعمتهای خاص الهی، به صورت کلی و نمادین آغاز شده تا مؤمنان، با تجربه و مشاهده و طی مراحل یقین، به حق‌الیقین داخل شوند و به قیامت برسند؛ تا در آن روز با بروز و ظهور حق و حقیقت در تمام شئون خود، سراب باطل زایل شود و انسانها به آخرت و نتایج اعمال و کردار خود برسند. به تعبیری دیگر؛ خدایی که همه را به اسلام، ایمان و یقین دعوت کرده، به سبب اختیار و وجود برخی موانع، رسیدن به بخشی از این مراحل، شخصی، مقطعی یا منطقه‌ای بوده؛ اما در آن سه دوران طلایی، با شروع عصر بلوغ بشریت، اکثریت جامعه به این کمالات نایل می‌شوند.

## منابع

- قرآن کریم.
- اردبیلی، عبدالغنی (۱۳۹۲). *تقریرات فلسفه*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- اکبری، محمدرضا (۱۳۸۴). *پرچم هدایت: سیمای شکوهمند حضرت مهدی (عج)*. قم: مسجد مقدس جمکران.
- امیری، علی نقی (۱۳۸۶). «*کمال انسان و انسان کامل؛ اصول و مبانی کرامت انسان*». مجموعه مقالات همایش امام خمینی و کرامت انسان. تهران: عروج.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۲۷ ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چ دوم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). «*نگاهی قرآنی به تبعات هجوم آمریکا به عراق*». پرتال جامع علوم و معارف قرآن. قابل بازیابی در: <https://quran.isca.ac.ir/fa/Article/Detail/3251>
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۸ ق). *الصحاح*. تحقیق شهاب‌الدین ابوعمر و بیروت: دارالفکر.
- حامد مقدم، احمد (۱۳۶۴). *سنتهای اجتماعی در قرآن کریم*. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- حر عاملی، محمد (۱۳۶۲). *الایقاظ من الهججه بالبرهان علی الرجعه*. ترجمه احمد جنتی. تهران: نوید.
- حسینی تهرانی، سید محمد (۱۳۶۶). *معادشناسی*. تهران: حکمت.
- حکیم، سید محمدباقر (۱۳۸۷). *جامعه انسانی از دیدگاه قرآن کریم*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- سعادت پرور، علی (۱۳۸۷). *ظهور نور*. تهران: احیاء کتاب.
- سعدی شاهرودی، محمدجواد (۱۳۸۴). «*ایام‌الله در قرآن*». *مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان*، ش ۱۱: ۱۶۰-۱۲۳.
- شجاعی، محمد (۱۳۸۸). *بازگشت به هستی*. تدوین محمدرضا کاشفی. تهران: کانون اندیشه جوان.
- شجاعی، محمد (۱۳۸۸). *قیام قیامت*. تدوین محمدرضا کاشفی. تهران: کانون اندیشه جوان.
- شریفی، عنایت‌الله و محمدحسین خوانین‌زاده (۱۳۹۳). «*رجعت از دیدگاه قرآن، روایات و عقل با تأکید بر آرای علامه طباطبایی*». *پژوهشنامه معارف قرآنی*، ش ۱۷: ۱۰۱-۸۳.
- شعرانی، ابوالحسن (۱۳۹۸ ق). *نثر طویی*. تهران: اسلامیه.
- صدر، سید محمد (۱۳۸۹). *تاریخ پس از ظهور*. ترجمه حسن سجادی پور. تهران: موعود عصر.

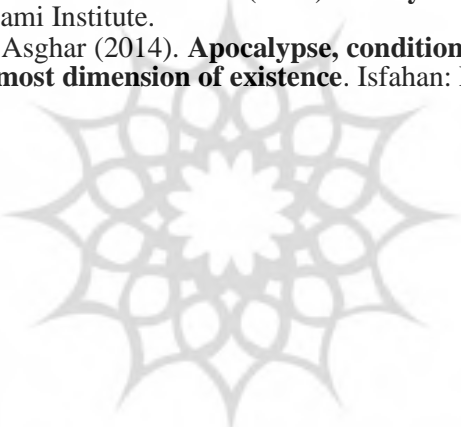
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۶۷). **سنتهای تاریخ در قرآن**. قم: اسلامی.
- طاهرزاده، اصغر (۱۳۹۳). **آخرالزمان شرایط ظهور باطنی ترین بعد هستی**. اصفهان: لب المیزان.
- طباطبایی؛ محمدحسین (۱۳۹۳). **تفسیر المیزان**. [بی جا]: [بی نا].
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۶ ق). **نهایه الحکمه**. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- عبداللهی، یحیی (۱۳۹۳). «**فلسفه تاریخ از منظر علامه طباطبایی با محوریت تفسیر المیزان**». *تاریخ اسلام در آئینه پژوهش*، سال یازدهم، ش ۱: ۷۲-۴۹.
- قاضی زاده، کاظم (۱۳۷۹). «**سنتهای حاکم بر جوامع بشری از دیدگاه قرآن کریم**». *صحیفه مبین*، ش ۱۸۴.
- قمی، عباس (۱۳۸۸). **مفاتیح الجنان**. قم: الزهرا.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق). **تفسیر القمی**. قم: دارالکتاب.
- کارگر، رحیم (۱۳۸۹). «**آینده پژوهی قرآنی و جایگاه مهدویت در آن**». *انتظار موعود*، ش ۳۲: ۱۴۸-۱۲۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). **الکافی**. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ چهارم.
- کورانی، علی و همکاران (۱۴۱۲ ق). **معجم احادیث الامام المهدی**. قم: مسجد جمکران.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۷/الف). **بحارالانوار**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۵). **حق الیقین**. ج ۲: امام عصر. [بی جا]: [بی نا].
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۷/ب). **مهدی موعود**. ترجمه علی دوانی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محمدی، سید محمدحسین (۱۳۸۷). «**اصول و ضوابط حاکم بر سیر تمدنها با تأکید بر علل سقوط تمدنها از منظر کلام وحی**». *تاریخ در آئینه پژوهش*، ش ۲۰: ۱۸۴-۱۶۱.
- محمدی، بهزاد (۱۳۹۵). «**فلسفه رجعت از منظر آیت الله شاه آبادی**». *اندیشه نوین دینی*، ش ۴۱: ۸۱-۹۸.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). **جامعه و تاریخ از نگاه قرآن**. تهران: بین الملل.
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۵). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). **امدادهای غیبی در زندگی بشر**. قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). **تکامل اجتماعی انسان**. قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲/الف). **جامعه و تاریخ**. قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). **عدل الهی**. قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲/ب). **فلسفه تاریخ**. قم: صدرا.

- مظاهری سیف، حمیدرضا (۱۳۸۴). «دکترین ظهور منجی در دوران معاصر با رویکرد عرفان». *انتظار موعود*، ش ۱۷: ۲۷۰-۲۴۳.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۰). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۸۴). «جایگاه ظهور در سیر تکاملی تاریخ». *مکاتبه و اندیشه*، ش ۲۲: ۱۰۰-۷۳.
- میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۸۳). «عصر ظهور تجلی ولایت ولی الله». *موعود*، ش ۴۳: ۱۱-۴.
- نجفی علمی، محمدجعفر (۱۳۷۱). *برداشتی از جامعه و سنن اجتماعی در قرآن*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- **Holy Quran.**
- Abdullahi, Yahya (2014). "Philosophy of history from the perspective of Allameh Tabatabai, focusing on Tafsir al-Mizan". *Two quarterly journals of Islamic history in the mirror of research*, year 11, No. 1: 49-72.
- Akbari, Mohammad Reza (2005). **Flag of Hedayat: Glorious Image of Hazrat Mahdi (AS)**. Qom: Jamkaran Mosque.
- Amiri, Ali Naghi (2007). "The Perfection of Man and the Perfect Man, Principles and Basics of Human Dignity". *Collection of Papers of the Conference of Imam Khomeini and Human Dignity*. Tehran: Arouj Printing and Publishing Institute.
- Ardabili, Abdul Ghani (2013). **Philosophical essays**. Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute.
- Bahrani, Seyyed Hashem (2006). **Al-Borhan fi Tafsir al-Qur'an**. Second edition, Beirut: Al-Alami Institute for Publications.
- Hakim, Seyyed Mohammad Baqir (2008). **Human society from the perspective of the Holy Quran**. Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Hamed Moghaddam, Ahmed (1985). **Social Traditions in the Holy Quran**. Mashhad: Islamic Research Foundation.
- Hosseini Tehrani, Seyyed Mohammad (1987). **Maadshenasi**. Tehran: Hikmat.
- Hore Ameli, Mohammad (1983). **Al-Iqaz Men Al-Hujjaa Belburhan Ala Al-Raja'a**. translated by Ahmad Jannati. Tehran: Navid.
- Javadi Amoli, Abdullah (2009). "A Qur'anic view of the consequences of the American invasion of Iraq". *Comprehensive portal of Quranic sciences and teachings*. Can be retrieved at: <https://quran.isca.ac.ir/fa/Article/Detail/3251>
- Johri, Ismail bin Hamad (1997). **Al-Sahah**. Researched by Shahab al-Din Abu Amr. Beirut: Dar al-Fikr.

- Kargar, Rahim (2010). "**Qur'anic future research and the place of Mahdism in it**". *Entezar Mououd Quarterly*, Vol. 32: 121-148.
- Kilini, Muhammad bin Yaqub (1986). **Al-Kafi**. 4th edition, Tehran: Dar Al-Katb al-Islamiyyah.
- Korani, Ali et al. (1991). **Al-Imam al-Mahdi Hadith Collection**. Qom: Jamkaran Mosque.
- Majlisi, Mohammad Baqir (1998). **Bihar al-Anwar**. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya.
- Majlesi, Mohammad Baqir (2016). **Haqqul Yaqeen. Vol. 2**, Imam Asr.
- Majlisi, Mohammad Baqir (1998). **Mahdi Mououd**. Translated by Ali Devani. Tehran: Darul-e-Kutb al-Islamiya.
- Makarem Shirazi, Nasser et al. (2001). **Tafsir Nemoneh**. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya.
- Mazaheri Seif, Hamidreza (2005). "**The doctrine of the appearance of the Savior in the contemporary era with the approach of mysticism**". *Intezar Mououd Quarterly*, Vol. 17: 243-270.
- Mir Bagheri, Seyyed Mohammad Mahdi (2004). "**The era of the emergence of the guardianship of Wali Allah**". *Mououd Monthly*, Vol. 43: 4-11.
- Mir Bagheri, Seyyed Mohammad Mehdi (2005). "**The place of emergence in the evolution of history**". *Journal of Correspondence and Thought*, Vol. 22: 73-100.
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (2005). **Society and History from the perspective of the Qur'an**. Tehran: International Publishing Company.
- Mohammadi, Seyyed Mohammad Hossein (2008). "**The principles and rules governing the course of civilizations with an emphasis on the causes of the fall of civilizations from the perspective of the revelation**". *Tarikh Dar Ayene Research Quarterly*, No. 20: 161-184.
- Mohammadi, Behzad (2016). "**The philosophy of regression from the perspective of Ayatollah Shahabadi**". *New religious thought*, No. 41: 81-98.
- Motahari, Morteza (2012). **Adl Elahi**. Qom: Sadra.
- Motahari, Morteza (1993). **Society and History**. Qom: Sadra.
- Motahari, Morteza (1997). **Human social evolution**. Qom: Sadra.
- Mustafavi, Hassan (2006). **Research on the Words of the Holy Qur'an**. Tehran: Allameh Mostafavi's Works Publishing Center.
- Najafi Elmi, Mohammad Jafar (1992). **A perception of society and social norms in the Qur'an**. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Qazizadeh, Kazem (2000). "**Traditions governing human societies from the perspective of the Holy Qur'an**". *Sahifa Mobin*, No. 184.
- Qomi, Ali bin Ibrahim (1983). **Tafsir al-Qami**. Qom: Dar al-Katab.
- Qomi, Abbas (2008). **Mofatih al-Jannan**. Qom: Al-Zahra.
- Saadat Parvar, Ali (2008). **Zohoor Noor**. Tehran: Ihya Kitab.
- Saadi Shahrudi, Mohammad Javad (2005). "**Days of Allah in the Qur'an**". *Semnan University Faculty of Humanities Journal*, No. 11: 123-160.

- Sadr, Seyyed Mohammad (2010). **History after the Appearance**. Translated by Hassan Sajjadipour. Tehran: Mouood Asr.
- Sadr, Seyyed Muhammad Baqir (1988). **Traditions of History in the Qur'an**. Qom: Islamic Publications.
- Shujaei, Mohammad (2009). **Qiyaam Qiyamat**. Edited by Mohammad Reza Kashfi. Tehran: Young Thought Center.
- Shujaei, Mohammad (2009). **Return to existence**. Edited by Mohammad Reza Kashfi. Tehran: Young Thought Center.
- Shearani, Abolhassan (1977). **Touba Prose**. Tehran: Islamia.
- Sharifi, Enayatullah & Mohammad Hossein Khawaninzadeh (2014). **"Rejat from the point of view of the Qur'an, traditions and intellect with an emphasis on the opinions of Allama Tabatabai"**. *Research Journal of Quranic Studies*, No. 17: 83-101.
- Tabatabaei, Muhammad Hossein (2014). **Almizan**.
- Tabatabaei, Muhammad Hossein (1995). **Nahayeh al-Hikma**. Qom: Al-Nashar al-Islami Institute.
- Taherzadeh, Asghar (2014). **Apocalypse, conditions for the emergence of the innermost dimension of existence**. Isfahan: Lob Al Mizan.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی